دو فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات تطبیقی فقه
زن و خانواده
سال سوم، شماره پنجم
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

خوانشی نو در معیار رضاع شرعی

مهدی احمدی[۱]
مهدی سعادتی نسب[۲]

چکیده

رضاع در شرع مقدس، در عرض نکاح و نسب، منشأ آثار مختلف و مهمی مانند مَحرمیّت و حرمت ازدواج بوده است. در معیار تحقق رضاع شرعی، عمدهٔ فقهای امامیه، با استناد به روایات و یا اجماع، شیر خوردنِ ده وعده، پانزده وعده و یک شبانه‌روز و یا برخی از این خصال را در عرض انبات لحم و اشتداد عظم، موجب محرمیت رضاعی دانسته و برخی نیز این خصال یا برخی از آن را أماره بر انبات بیان کرده‌اند. این تحقیق کوشیده است با روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، ابتدا به بیان شواهد تکوینی بودن معیار رضاع و تأثیر آن در تشخیص معیار صحیح بپردازد و بدین‌وسیله از تهافت بین معیارهای رضاع رهایی یابد. سپس با نفی معیار بودن ده رضعه و نیز رفع تعارض روایاتِ ملاک رضاع، قول به معیار اثر انبات و پانزده رضعه و نیز رضاع شبانه‌روز را در عرض هم ترجیح دهد. به‌علاوه، تعلیل صحیحهٔ علی‌بن‌رئاب به‌عنوان اعتبار معیار انبات لحم را پررنگ ساخته، و ضمن پاسخ

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه و عضو مرکز پژوهشی مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی، قم، ایران؛ (نویسنده مسئول) javan30313@gmail.com.
۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه و عضو مرکز پژوهشی مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی، قم، ایران؛ mssn124000@gmail.com.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

به اشکالات سه‌گانهٔ آن، به برخی امور مخفی‌مانده از دید فقها در معیار رضاع نیز پرداخته است.

واژگان کلیدی: معیار رضاع شرعی، انبات لحم و اشتداد عظم، تقیّه، أماره بر نشر حرمت.

مقدمه

محرّمیت رضاعی دارای آثار و احکام مهمی است. شرط تحقق محرمیت رضاعی و ترتب آثار آن، وجود ملاک شرعی رضاع است؛ چراکه شارع مقدس، هر رضاعی را به‌عنوان محرِّم و دارای اثر شرعی نمی‌داند. در این ملاک، میان فقها اختلاف بوده و سه یا چهار قول اصلی مطرح است. گرچه در تحقق ملاک رضاع شرعی، وجوه متعددی مانند کمیت فقط، تحقق اثر فقط، یوم و لیلة فقط، اصل بودن اثر و اماره بودن کمیت و بالعکس و یا دو مورد از این سه مورد، قابل تصور است.

مسئله رضاع محرّم، از ابتدای فقه شیعه مطرح بوده است و فقهای عظام متقدم، یا به ذکر نظر خود بدون استدلال بسنده می‌کردند (حلبی، ۱۴۰۳، ص۲۸۵) و یا پس از ذکر نظر خود، بدون بحث از سایر روایات، فقط روایت دال بر آن را نقل می‌کردند (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۵، ص۳۳۰). ظاهرا آغازگر بحث فقهی ملاک رضاع محرّم به نحو کوتاه، شیخ در خلاف (۱۴۰۷الف، ج۵، ص۹۵ـ ۹۸) است و پس از او، فقهای بسیاری با استناد به روایات، به بحث مختصر در معیار رضاع پرداختند (انصاری دزفولی، ۱۴۱۱، ص۳۶۵ـ ۳۷۱ و آخوند خراسانی، ۱۴۱۳، ص۹ـ ۱۳). همچنین آیت‌الله خویی (۱۴۱۷، ص۹۹ـ ۱۳۹) بحث نیمه مفصلی از معیار رضاع مطرح کرده است. مفصل‌ترین بحث نیز تحقیق آیت‌الله شبیری زنجانی (۱۴۱۹، ج۱۴، ص۴۶۳۵ـ ۴۸۰۴) است که البته بیشتر به نقد و بررسی اقوال پرداخته و تعلیل روایت ابن‌رئاب و شاهد جمع روایت محمدبن‌مسلم را بحث نکرده است.

در این میان، پژوهش قابل‌توجهی نوشته نشده و عمده مقالات و رساله‌ها، ناظر به بیان اقوال و مقایسه دیدگاه‌های فقه امامیه و اهل‌تسنن بوده است.[1] برخی نیز بیشتر از جهات حقوقی به مبحث معیار رضاع شرعی ورود داشته‌اند.[2] این امر، اهمیت تعیین

۱. مانند مقاله «مطالعه تطبیقی شرایط نشر حرمت ناشی از رضاع در فقه امامیه و فقه اهل‌سنت» (مقاله علمی وزارت علوم)، علی‌اکبر ربیعی و احمد صابری مجد، دوفصلنامهٔ مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال ۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲، شماره ۵۹.

۲. مانند بدیع تبریزی، محمد، «در شرایط حرمت رضاع»، مجله مجموعه حقوقی، ۲۸ آذر ۱۳۱۸، ش۱۳۴.

دقیق معیار رضاع محرِّم را دوچندان می‌کند. در این مقاله، مراد از واژه «انبات»، رویش گوشت و افزایش خون و محکم شدن استخوان نوزاد[1] و مراد از «زمان»، یک شبانه‌روز کامل (۲۴ ساعت) است.

۱. تکوینی بودن رضاع شرعی و معیارهای دالّ بر آن

به نظر می‌رسد هریک از تکوینی و یا تشریعی بودن معیارهای رضاع شرعی، در موضوع تحقیق اثرگذار است، این اثرگذاری، از ادامه مطالب روشن می‌شود. از همین جهت قبل از ورود به اقوال در معیار رضاع شرعی و ادله آنها، اشاره‌ای مختصر به این مهم می‌شود. شکی نیست اصل حکم به نشر حرمت رضاعی، امری تعبدی است؛ یعنی شارع مقدس بندگان خویش را در فرض تحقق معیارهایی، به رعایت این حریم تعبد فرموده است. اما می‌توان ادعا کرد معیارهای بیان‌شده در تحقق موضوع این حکم شرعی، اموری تکوینی هستند. شواهدی بر این ادعا وجود دارد، اما قبل از بیان شواهد، ثمره هریک از این دو احتمال ذکر می‌گردد:

اگر مواردی که در روایات آمده است (مانند انبات لحم، پانزده رضعه و یا ده رضعه با شروط آن و شبانه‌روز کامل)، اموری تکوینی دانسته شود که موجب نشر حرمت شرعی می‌گردند، به طور طبیعی نباید میان آنها فاصله زیادی تصویر شود؛ زیرا تفاوت زیاد، منجر به تهافت و ناسازگاری خواهد شد. توضیح اینکه اگر انباتی که نزد عرف عام و نه متخصصین محسوس است، یکی از معیارهای تکوینی دانسته شود، آنگاه نمی‌توان پذیرفت که معیار دیگری مانند شیر خوردن شبانه‌روز، به‌عنوان عِدل آن و یا کاشف از آن بوده باشد؛ زیرا بدیهی است تحقق چنین انبات لحمی، به بازه زمانی یک هفته و یا بیشتر از آن نیاز دارد و در این صورت واضح است که شیر خوردن یک شبانه‌روز، هیچ‌گاه در عرض و یا کاشف از آن نخواهد بود. اما اگر این امور، تعبدی دانسته شود، تفاوت فاحش آن قابل توجیه است؛ زیرا امور تعبدی و توقیفی، اموری هستند که فلسفه

۱. ر.ک: شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ص۳۰۲ ـ ۳۰۳.

و مـلاک جعـل آنهـا برای ما روشـن نیسـت و لـذا قابل پذیرش اسـت. همان طـور که اگر انبـات، تکوینـی با تشـخیص متخصص معیار باشـد می‌تواند در عـرض پانزده رضعه و مانند آن قرار گیرد. بنابراین، تشخیص تکوینی یا تعبدی بودن معیارها می‌تواند در تعیین حدود آنها اثرگذار باشد.

۲. شواهد قابل اقامه بر تکوینی بودن معیارهای تحقق رضاع

یکـم: در برخـی روایـات بـاب رضـاع چنین آمده اسـت که بعـد از بیان انبـات به‌عنوان محقِق موضوع رضاع شـرعی، راوی سـؤال می‌پرسد که آیا چنین انباتی به یک مرتبه و یا دو مرتبه شـیر خوردن حاصل می‌شـود یا خیر؟ (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۴۳۸، ح۲، موثقهٔ عبید). چنیـن سـؤالی بیانگر این اسـت کـه در ارتکاز سـائل و راوی، قطعاً انبات به تشـخیص عرف عام ملاک نبوده است و الا بدیهی است که با یک یا دو مرتبه شیر خوردن و حتی ده مرتبه و پانزده مرتبه، انبات به تشخیص عرف عام حاصل نمی‌شود و این دیگر جای سـؤال نداشـته اسـت. بنابراین باید گفت که انبات دقّی به تشـخیص عرف خاص، مد نظر بوده است و این مطلب بیانگر نزدیک بودن معیارهای انبات و شبانه‌روز کامل و... به یکدیگر است که با تکوینی بودن آنها سازگارتر است.

دوم: مطابق مفاد موثقه عبید، معصوم علیه‌السلام انبات را به‌عنوان کمترین حدّ رضاع بیان فرمـوده اسـت. ازطرفی در موثقهٔ زیادبن‌سـوقه، رضاع شـبانه‌روز و پانـزده رضعه، کمترین حد رضاع دانسـته شـده است (طوسی، ۱۴۰۷ب، ج۷، ص۳۱۵، ح۱۲). روشن است که تناسب کامل این روایات و برابری انبات با پانزده مرتبه یا شـبانه‌روز کامل، مقتضی آن اسـت که این موارد، اموری تکوینی دانسـته شـود تا مقدار آنها نزدیک به یکدیگر قرار گیرد و طبعاً انبات دقّی مد نظر خواهد بود.

سوم: دیدگاه برخی از فقها (کرکی، ۱۴۱۴، ج۱۲، ص۲۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج۷، ص۲۱۳ و نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۹، ص۲۷۶) مبنی بر اشـتراط فهم متخصص در تحقق انبات لحم نیز گویای این است که نزد ایشان این موارد به‌عنوان اموری تکوینی دانسته شده است.

چهارم: لـزوم صدق عرفـی «أمّ» رضاعی که برگرفته از آیهٔ شـریفهٔ ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ ... وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ﴾ است با تکوینی بودن رضاع سازگارتر است؛ چراکه با تعداد دفعات کم و بدون رویش لحم، صدق عرفی امّ رضاعی محرز نیست.

۳. اقوال در معیار رضاع و ادلّهٔ آن

گذشت که در معیار رضاع، بین فقها اختلاف وجود دارد: شیر خوردنِ ده یا پانزده وعده، یـک شـبانه‌روز، تحقـق انبات لحم و اشـتداد عظـم و کفایت هریک از ده وعـده، پانزده وعـده و انبـات لحـم و اشـتداد عظم. عمـوم فقها دو یا چنـد عنوان از ایـن عناوین را به نحو خصال متعدد، موجب محرمیت رضاعی دانسـته‌اند که در ادامه به ذکر این اقوال و بررسی و تحقیق در آنها پرداخته می‌شود.

۱ـ ۳. معیار اول: انبات لحم و اشتداد عظم

نظر برخی آن اسـت که انبات و اشـتداد، تنها معیار دانسـته شـود و عدد و زمان خاص، أماره بر آن قرار داده شود. ابتدا برخی از قائلین به این مدعا و سپس أدلّهٔ آنان ذکر می‌شود: می‌توان به شـیخ کلینی، معیار انبات و أماره بودن ده رضعه را نسـبت داد؛ چراکه ذیل باب «حَدِّ الرَّضَاعِ الَّذِي يُحَرِّمُ»، ده روایت نقل کرده است که اکثر آنها ظهور در معیار بودن انبـات و اشـتداد دارد و در کنار این روایات، موثقـه عبیدبن‌زراره (حدیث ۲) را آورده که با مفهومش دلالت بر این می‌کند که ده رضعه، اماره انبات و اشتداد است (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۴۳۸).[1] حرّ عاملی در کتاب هدایه (۱۴۱۴، ج۷، ص۱۶۸)، انبات را معیار، و تنها پانزده رضعه را أماره بر آن قرار داده است.[2] و شیخ صدوق (۱۴۱۵، ص۳۳۰)، شیخ انصاری (۱۴۱۱،

۱. کافی کتاب فتوای شـیخ کلینی اسـت؛ همان طور که خود در مقدمه کافی بیان داشـته است (۱۴۰۷، ج۱، ص۸). وی در بیـن کلامـش فرمـوده اسـت: «**يأخذ منه من يريد علم الدين و العمل به بالآثار الصحيحة عن الصادقين** ﷺ **و السنن القائمة الّتي عليها العمل، و بها يؤدّي فرض الله عزّ و جلّ و سنّة نبيّه** ﷺ» و همان طور که شبیری زنجانی (۱۴۱۹، ج۱، ص۲۲۹ و ج۷، ص۲۲۶۴) روایات کافی را مورد عمل شیخ کلینی می‌داند.

۲. امـا در کتـاب وسـائل، انبات، یوم و لیلـة و پانزده وعده را در عرض هم، معیار قرار داده اسـت؛ بدین بیان که شـیخ حرّ نظرش را در عنوان باب می‌آورد. اینجا باب ۲ را ثبوت تحریم با یک شـبانه‌روز یا پانزده بار با

ص۳۰۳ و ۳۱۲) و از معاصرین نیز علامه شعرانی[1] بر پانزده رضعه، أماریت زمان شبانه‌روز را نیز اضافه نموده‌اند. برخی فقها مانند حلبی (۱۴۰۳، ص۲۸۵) و ابن‌زهره (۱۴۱۷، ص۳۳۶)، انبات را معیار قرار داده و رضاع شبانه‌روز و نیز دَه رضعهٔ همراه شیر شدن و سایر شرایط را أماره بر آن دانسته‌اند.

ممکن است اشکال شود که تحقق اثر نمی‌تواند معیار رضاع شرعی باشد؛ چراکه کیفی و غیر قابل سنجش است. در جواب باید گفت همین که انبات و اشتداد، عرفاً صدق کند و رویش گوشت و استخوان محسوس باشد کافی است و این گونه معیار، کمّی است. امّا لازمهٔ معیار کمّی، دقیق بودن آن نیست و در موارد بسیاری شارع، معیار دقیق کمّی قرار نداده است؛ مانند قدر کرّ به وجب، حد ترخص به نشنیدن اذان و ندیدن جدران، مسافت موجب قصر به هشت فرسخ یا مسیرة یوم و مانند آن. البته برخی فقها (کرکی، ۱۴۱۴، ج۱۲، ص۲۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج۷، ص۲۱۳ و نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۹، ص۲۷۶) فهم متخصص را شرط دانسته‌اند و بدیهی است با تشخیص متخصص، اثر انبات و اشتداد زودتر ثابت می‌شود.

بر فرض تحقق اثر، کیفی هم باشد، مانعی نیست و کیفی بودن معیار شرعی، نظیر نیز دارد؛ همچون حق نفقه که شأن زوجه، معیار کیفی آن است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج۸، ص۴۵۵ ـ ۴۵۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج۲۵، ص۱۱۹ ـ ۱۲۰ و نجفی، ۱۴۰۴، ج۳۱، ص۳۳۲) و در زمان‌های مختلف، قابل تغییر است. به‌عبارت‌دیگر، کیفی بودن یک حق، منافات با ضابطه‌مندی آن ندارد؛ ضوابطی که خود در گذر زمان توسط عُقلا تغییر می‌کنند.

دلیل اعتبار انبات

دلیل اصلی اعتبار انبات، تعلیل در صحیحهٔ علی‌بن‌رئاب است: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ

شروطش نامیده است: «بَابُ ثُبُوتِ التَّحْرِيمِ فِي الرَّضَاعِ بِرَضَاعِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ وَ بِخَمْسَ عَشْرَةَ رَضْعَةً مُتَوَالِيَاتٍ بِشُرُوطِهَا لَا بِمَا نَقَصَ عَنْ ذَلِكَ». همچنین باب۳ را عدم تحقق رضاع بدون انبات نامیده: «بَابُ أَنَّهُ لَا يَنْشُرُ الْحُرْمَةَ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ شَدَّ الْعَظْمَ» (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۰، ص۳۷۴).

۱. در حاشیه وافی مدعی این نظر شده است. فیض کاشانی (۱۴۰۶، ج۲۱، ص۲۳۱، باب حد الرضاع، ح۱) موضوع تحریم را انبات لحم، و عدد پانزده و زمان را طریق و حدّ آن دانسته است. سپس آن را دارای نظایری در شرع دانسته و مثالِ ملاکیت سُکر و طریقیت غلیان را ذکر کرده است.

الْحَسَنِ بن مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بن رِئَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ ﷺ قَالَ: قُلْتُ مَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ قَالَ: مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ شَدَّ الْعَظْمَ. قُلْتُ فَيُحَرِّمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ؟ قَالَ لَا؛ لِأَنَّهُ لَاتُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ لَاتَشُدُّ الْعَظْمَ عَشْرُ رَضَعَاتٍ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۰، ص۳۷۴، باب۲، ح۲). تعلیلی که بر فرض صحت، بر سایر ادله سایه افکنده است و تعمیم آن موجب انحصار معیار در انبات می‌گردد.[۱]

نقد ملاک بودن اثر انبات و پاسخ آن

اول آنکه ممکن است گفته شود روایت عبیدبن‌زراره، معیار بودن تحقق اثر انبات را ردّ می‌کند: «عَنْهُ عَنِ ابن فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بن عُقْبَةَ عَنْ عُبَيْدِبن زُرَارَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ ﷺ عَنِ الرَّضَاعِ أَدْنَى مَا يُحَرِّمُ مِنْهُ قَالَ مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ الدَّمَ ثُمَّ قَالَ تَرَى وَاحِدَةً تُنْبِتُهُ فَقُلْتُ أَسْأَلُكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ اثْنَتَانِ فَقَالَ لَا وَ لَمْ أَزَلْ أَعُدُّ عَلَيْهِ حَتَّى بَلَغَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، باب حد الرضاع، ص۴۳۸، ح۳). چراکه در این روایت، حضرت ابتدائاً ملاک اثر را بیان فرمودند و در ادامه، خود ایشان سائل را به سمت عدد سوق دادند؛ درحالی‌که تحقق اثر انبات، اگر ملاکی باشد که به‌عنوان معیار تشخیص عرفی به مکلفین القاء شده است، لزومی ندارد که حضرت، خود بحث عدد را مطرح نمایند. همچنین طبق این روایت، اگر سائل حتی در کمتر از عدد ده به تشخیص عرفی خود، انبات لحم و اشتداد عظم را محقق بداند، نمی‌تواند نشر حرمت را ثابت بداند و باید منتظر تکمیل عدد ده باشد.

در نقد این سخن باید گفت: در روایت عبیدبن‌زراره، حضرت ﷺ بنا بر سوق به عدد نداشته است. عدد را مطرح نمود، چون فضای رایج (عامه)، عدد قلیل بوده و حضرت در مقام نفی آن عدد برآمده است. در مورد عدد کمتر از ده نیز عدم محرمیت، طبق این روایت و موافق با استصحاب است.

دوم آنکه ممکن است اشکال شود اگر تحقق اثر اشتداد و انبات، معیار رضاع شرعی قرار گرفته شده باشد، نمی‌توان بدان ملتزم شد؛ چراکه قابل فهم عرف نیست. درحالی‌که احکام شرعی به عرف القا شده‌اند و معنا ندارد شارع مقدس امر مبهمی را از عرف بخواهد.

۱. در عبارت «الرضاع لحمة کلحمة النسب»، لحمة به معنی قرابت است (جوهری، ۱۴۱۰، ج۵، ص۲۰۲۷؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۵۵۱)؛ بنابراین إشعار به معیار بودن انبات ندارد.

در جواب گوییم علاوه بر اینکه شمارش ده و پانزده نیز برای عرف آسان نیست و گاهی دچار فراموشی یا وسواس می‌شوند، اصل قابل فهم نبودن تحقق اثر، قابل مناقشه است؛ چراکه اشتداد عظم و انبات لحم مشکک است، اما قدر متیقن از آن را عرف درک می‌کند. همچنین انبات با اندازه‌گیری قد و وزن نیز محقق می‌شود. همین که عرف بگوید مثلاً صد گرم اضافه شده یا یک سانتیمتر بزرگ شده است، یعنی انبات. به‌عبارت‌دیگر، خود مستشکل نیز معترف است که اثر اشتداد و انبات، پس از مثلاً یک هفته، قطعی و کاملاً قابل درک عرف است و پس از بخشی از روز، چنین اثری قابل درک نیست و همین کافی است تا تحقق اثر را قابل فهم عرفی بدانیم. رجوع به متخصص نیز انبات و اشتداد را ثابت می‌کند. در زمان صدور روایات نیز غالب مصادیق بدین شکل بوده است که دایه اجیر می‌شد و مدتی شیر می‌داد و در حدی بود که اثر ظاهر شود و شاهدش همان روایت مخبوره است.

سوم ادعای دلیل بر نفی اعتبار انبات، روایت علی‌بن‌مهزیار است: «**مُحَمَّدُ بن أَحْمَدَ بن يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِبن‌عَبْدِالْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ‌بن‌مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِي‌الْحَسَنِ عليه‌السلام أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ يَسْأَلُهُ عَنِ الَّذِي يُحَرِّمُ مِنَ الرَّضَاعِ فَكَتَبَ عليه‌السلام قَلِيلُهُ وَ كَثِيرُهُ حَرَامٌ**» (طوسی، ۱۴۰۷ب، ج۷، ص۳۱۷، ح۱۶) که ظاهر در نفی اشتراط کمیت و اثر است. علاوه بر اینکه مکاتبه است و احتمال تقیه در آن زیاد است، معارض نیز دارد. وجه تقیه بدین قرار است که حضرت عليه‌السلام در جواب سؤال از رضاع محرّم نوشته‌اند: رضاع کم و زیاد، حرام است که می‌تواند به معنای ممنوع باشد.[1] یعنی نباید زنی، نوزاد غیر خود را شیر دهد[2] و این جواب، اعم از نشر حرمت است، پس با تقیه سازگار است. به‌هرحال مدلولِ این روایت، یا توضیح موضوع رضاع است و بیان

۱. «الحاء و الراء و المیم أصل واحد، و هو المنع و التشدید. فالحرام: ضد الحلال» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج۲، ص۴۵). اما منع در این روایت از مطلق شیر دادن، باتوجه‌به سایر ادله مجوّزه، حمل بر کراهت می‌شود.

۲. روایاتی با همین مضمون وجود دارد؛ مانند روایت سکونی: «**عَلِيُّ‌بْنُ‌إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام انْهَوْا نِسَاءَكُمْ أَنْ يُرْضِعْنَ بِيَمِيناً وَ شِمَالًا فَإِنَّهُنَّ يَنْسَيْنَ**» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۴۴۶، ح۱۴).

می‌دارد رضاع شرعی وقتی محقق شود، دیگر کم و زیاد ندارد و یا مطلق رضاع را مطابق نظر رایج اهل‌تسنن کافی می‌داند، همان طور که شیخ فرموده است.[1]

۲ـ۳. معیار دوم: پانزده وعده

شاید تنها فقیهی که پانزده رضعه را ملاک مستقل در محرمیّت رضاع می‌داند، یحیی‌بن‌سعید حلی (۱۳۹۴، ص۹۳) باشد. البته عدّهٔ بسیاری، عدد پانزده را در کنار إنبات یا أماره آن می‌دانند؛ مانند بحرانی (۱۴۰۵، ج۲۳، ص۳۴۹).

روایات پانزده رضعه، سه دسته است و روایت تعلیل به نفی در آن وجود ندارد. این سه دسته عبارت‌اند از:

الف) نافیهٔ مطلقه: صحیحهٔ عمربن‌یزید: «**وَ عَنْهُ عَنْ أَيُّوبَ بن نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بن يَحْيَى عَنْ حَمَّادِبن عُثْمَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ عُمَرَ بن يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام يَقُولُ خَمْسَ عَشْرَةَ رَضْعَةً لَا تُحَرِّمُ**» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۰، ص۳۷۵، ح۶).

ب) مثبتهٔ مطلقه: صحیحهٔ محمدبن‌مسلم: «**مُحَمَّدُبن يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَبن مُحَمَّدٍ عَنِ ابن مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بن الْحَسَنِ بن رِبَاطٍ عَنِ ابن مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِبن مُسْلِم عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليهما‌السلام، قَالَ: إِذَا رَضَعَ الْغُلَامُ مِنْ نِسَاءٍ شَتّى، فَكَانَ ذلِكَ عِدَّةً، أَوْ نَبَتَ لَحْمُهُ وَ دَمُهُ عَلَيْه، حَرُمَ عَلَيْهِ بَنَاتُهُنَّ كُلُّهُنَّ**؛ اگر پسری از چند زن شیر بخورد و شیر خوردنش از هرکدام به تعداد لازم باشد یا آنکه گوشت و خون براو بیفزاید، تمام دختران آن زنان بر آن پسر حرام می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۴۴۶، ح۱۵ و بروجردی، ۱۳۸۶، ج۲۵، ص۸۳۹). توضیح روایت خواهد آمد، اما استظهار عدد پانزده، از باب قدر متیقن در تحقق رضاع محرِّم است.

ج) مثبتهٔ مقیده به توالی و وحدت مرضعه و صاحب اللبن: موثقهٔ زیادبن‌سوقة: «**قلت لأبي جعفر عليه‌السلام هل للرضاع حد يؤخذ به؟ فقال لا يحرم الرضاعُ أقل من رضاع يوم و ليلة أو خمس**

۱. شیخ طوسی، ۱۴۰۷ب، ج۷، ص۳۱۷، ح۱۶. شیخ حدیث را حمل بر فرق نداشتن کم یا زیادی شیر پس از رسیدن به معیار دانسته است و تقیه را نیز محتمل.

عشـرة رضعات متواليات من امرأة واحدة مِنْ لَبَنِ فَحْلٍ وَاحِدٍ لَمْ يَفْصِلْ بَيْنَهَا رَضْعَةُ امْرَأَةٍ غَيْرِهَا الخ» (طوسی، ۱۴۰۷ب، ج۷، ص۳۱۵، ح۱۲).[۱]

جمع‌بندی: روایت مُثبتهٔ مقید به وجود شرایط رضاع، روایت مثبتهٔ مطلقه را قید می‌زند، همان طور که نافی مطلق را به نبود شرایط توالی و وحدت مرضعه، مقید می‌کند. نهی از پانزده رضعه نیز به عدم توالی و عدم وحدت و یا پرسش انکاری حمل می‌شود.[۲] به‌عبارت‌دیگر، تروی و نوم در پانزده رضعه شرط نیست؛ زیرا در موثقهٔ زیادبن‌سوقه، در مقام بیان شروط پانزده رضعه، به تروی و نوم اشاره نشده است.

۳ ـ ۳. معیار سوم: ده وعده شیر خوردن

ظاهراً تنها فقیهی که معیار ده وعده شیر را به نحو منحصر پذیرفته، سلاّر دیلمی در المراسم (۱۴۰۴، ص۱۴۹) است. وی در تحقق رضاع شرعی، فقط به معیار ده رضعه اشاره کرده است که می‌تواند بیانگر دیدگاه وی در ادعای این معیار باشد؛ هرچند برای این ادعا به دلیلی اشاره نکرده است. عده‌ای از فقها، ده وعده شیر را قبول دارند، اما در عرض انبات و مانند آن (ر.ک: کرکی، ۱۴۱۴، ج۱۲، ص۲۱۵ ـ ۲۱۶). برخی روایات می‌تواند به‌عنوان مستندی بر ده رضعه مطرح شود که مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) موثقهٔ عبیدبن‌زراره: «مُحَمَّدُبن يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَبن مُحَمَّدٍ عَنِ ابن فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بن يَعْقُوبَ عَنْ مَرْوَانَ بن مُسْلِمٍ عَنْ عُبَيْدِبن زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّضَاعِ مَا أَدْنَى مَا يُحَرِّمُ مِنْهُ قَالَ مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ أَوِ الدَّمَ ثُمَّ قَالَ تَرَى وَاحِدَةً تُنْبِتُهُ؟ فَقُلْتُ اثْنَتَانِ أَصْلَحَكَ اللَّهُ؟ قَالَ لَا. فَلَمْ أَزَلْ أَعُدُّ عَلَيْهِ حَتَّى بَلَغْتُ عَشْرَ رَضَعَاتٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۴۳۸، ح۲). همهٔ روات حدیث، توثیق دارند. فقط حسن بن علی بن فضال، مدتی فطحی بوده، اما مورد اعتماد (طوسی، ۱۴۲۷، ص۳۵۴) و طبق مبنایی از اصحاب اجماع است (کشّی، ۱۴۰۹، ص۵۵۶).

---

۱. نحوهٔ دلالت آن است که عدد در مقام تحدید مفهوم دارد.

۲. بدین بیان که حضرت عليه‌السلام با حالت انکاری پرسیده است: آیا پانزده رضعه، محرّم نیست؟ یعنی پانزده رضعه چطور می‌تواند محرّم نباشد؟

استدلال بر ده رضعه نیز بر اساس ذیل روایت است که حضرت در پاسخ سؤال، کمترین میزان شیر در تحقق محرمیت نسبت به بیان دفعات لازم جهت تحقق رضاع شرعی، تا عدد ده را قبول نکردند و پس از ذکر عدد ده، بر اساس ظاهر حال یا بیان لفظی که در نقل راوی نیامده است، کفایت این تعداد را تأیید فرمودند.

ب) صحیحه فضیل: شیخ از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند: «**بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِيِّ بن مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِبن‌الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِبن‌سِنَانٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفُضَيْلِ‌بن‌يَسَار عن أَبِي‌جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: لَا يُحَرِّمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا الْمَجبُورَةُ أَوْ خَادِمٌ أَوْ ظِئْرٌ قد رَضِعَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ يَرْوَى الصَّبِيُّ وَ يَنَامُ**؛ شیر دادن حرمت نمی‌آورد مگر توسط زنی که شیر دادن بر او الزامی است (به نحو اجیر و مانند آن) یا کنیز یا دایهٔ نوزاد ده وعده شیر دهند به شکلی که در هر بار، نوزاد سیر شود و بخوابد» (طوسی، ۱۴۰۷ب، ج۷، ص۳۱۶، ح۱۳).

در سند روایت محل بحث، تنها محمدبن‌سنان محل مناقشه قرار گرفته است که طبق تحقیق باید وی را ثقه دانست.[1] اجلّاء از او اکثار روایت دارند مانند حسین‌بن‌سعید (بیش از ۱۰۰ حدیث)، احمد بن محمد بن خالد (بیش از ۱۳۵ حدیث)، محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب (بیش از ۷۰ حدیث) و احمد بن محمد بن عیسی (بیش از ۲۵۰ حدیث) که طبعاً شیخِ آنان بوده است. همچنین بزرگانی مانند یونس‌بن‌عبدالرحمن (حدود ۲۰ حدیث)، یعقوب‌بن‌یزید (حدود ۱۵ حدیث)، محمدبن‌عبدالجبار (نزدیک به ۱۰ حدیث)، ایوب‌بن‌نوح و محمد بن اسماعیل بن بزیع، روایات متعددی از او نقل کرده‌اند. لازم به ذکر است صفوان که جز از ثقه نقل نمی‌کند، از او روایت در احکام واجب دارد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج۱۹، ص۱۵۲، ح۲۴۳۵۱ و ج۲۴، ص۳۶۵، ح۳۰۷۹۰).

البته روایت دیگری با همین مضمون و بدون ذکر ده رضعه از فضیل نقل شده که مظنوناً با این روایت، متحد است و بدین جهت وجود قید ده رضعه در روایت را مخدوش می‌سازد:

۱. چنین بحثی در این تحقیق نمی‌گنجد (ر.ک: کلباسی، ۱۴۲۲، ج۳، ص۵۸۹ ـ ۶۹۲).

«عَنْهُ عَنْ أَيُّوبَ بن نُوحٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفُضَيْلِ بن يَسَارٍ عَنْ عَبْدِالرَّحْمَنِ بن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا يُحَرِّمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا كَانَ مَخْبُوراً قُلْتُ وَ مَا الْمَخْبُورُ؟ قَالَ أُمٌّ مُرَبِّيَةٌ أَوْ أُمٌّ تُرَبِّي أَوْ ظِئْرٌ تُسْتَأْجَرُ أَوْ خَادِمٌ تُشْتَرَى أَوْ مَا كَانَ مِثْلَ ذَلِكَ مَوْقُوفاً عَلَيْهِ» (همان، ج۲۰، ص۳۷۶، ح۷). این روایت، شرط توالی در رضاع را گوشزد کرده است. به‌هرحال، حتی احتمال اتحاد دو حدیث و نبود «عشر رضعات» در حدیث دوم، استدلال به آن را خدشه‌دار می‌کند.

ممکن است گفته شود: دلالت روایت بر اعتبار ده رضعه ازطریق بیان حصر است؛ اما همان طور که خواهد آمد، تمامی عناوین ده و پانزده رضعه، یوم و لیله، و انبات، دارای روایت دال بر حصر هستند!

فارغ از عدم دلالت بر ده رضعه، این روایت، ظاهر در «وعده کامل خوردن شیر» است که از یروی و ینام برداشت می‌شود؛ چراکه یروی و ینام، جمله حالیه و قید محرّمیّت رضاع است. شیخ نیز یروی و ینام را توضیح رضعات دانسته است؛ چراکه در تمامی معیارها، نزد شیعه، سیر شدن شرط است و چند بار مکیدن کافی نیست (طوسی، ۱۴۰۷ب، ج۷، ص۳۱۶، ح۱۳). در علم روز نیز مشهور است که بیشترین رشد نوزاد و کودک، در حال خواب اوست. حلبی، روایت را ظاهر در دَه وعدهٔ کاملِ متوالی دانسته (۱۴۰۳، ص۲۸۵)[1] و ابن‌زهره نیز عدم اعتنا به خصوصیت مخبورة و خادم و ظئر را بدون اختلاف به فقها نسبت داده است (۱۴۱۷، ص۳۳۶).

ج) صحیحهٔ عمربن‌یزید و موثقهٔ مسعدة‌بن‌صدقة: «الْحُسَيْنُ بن مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بن مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِيِّ بن فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِاللَّهِ بن سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بن يَزِيدَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام عَنِ الْغُلَامِ يَرْضَعُ الرَّضْعَةَ وَ الرَّضْعَتَيْنِ فَقَالَ لَا يُحَرِّمُ فَعَدَدْتُ عَلَيْهِ حَتَّى أَكْمَلْتُ عَشْرَ رَضَعَاتٍ فَقَالَ إِذَا كَانَتْ مُتَفَرِّقَةً فَلَا»[2] (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۴۳۹، ح۸). صحیحهٔ عمربن‌یزید، یکی دیگر از روایات دَه رضعه است که با موثقهٔ عبید شباهت دارد و فرموده است که رضاع

۱. «أن يكون مما ينبت اللحم و يقوي العظم بكونه يوما و ليلة أو عشر رضعات متواليات كل منها تملأ البطن لا يفصل بينهن برضاع امرأة أخرى».

۲. در بعضی نسخه‌های کافی، عبارت «فلا» وجود ندارد (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج۱۰، ص۸۷۳).

شرعی با کمتر از ده رضعه محقق نمی‌شود و ده رضعهٔ متفرق نیز محرمیت نمی‌آورد؛ بنابراین، مفهوم شرط در این روایت، دالّ بر کفایت ده وعده شیر با شرط توالی است. همچنین موثقهٔ مسعدة‌بن‌صدقة: «عَلِيُّ‌بن‌إِبْرَاهِيمَ عَنْ هارُونَ‌بن‌مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ‌بن‌صَدَقَةَ عَنْ أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام قَالَ لَا يُحَرِّمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا شَدَّ الْعَظْمَ وَ أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ أَمَّا الرَّضْعَةُ وَ الرَّضْعَتَانِ وَ الثَّلَاثُ حَتَّى يَبْلُغَ عَشْراً إِذَا كُنَّ مُتَفَرِّقَاتٍ فَلَا بَأْسَ» (همان، ص۴۳۹ـ۴۰، ح۱۰). همین مضمون را صحیحهٔ مسعدة‌بن‌زیاد دارد: «رَوَى مُحَمَّدُ بن أَحْمَدَ بن يَحْيَى عَنْ هارُونَ‌بن‌مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ‌بن‌زِيَادٍ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام قَالَ لَا يُحَرِّمُ الرَّضَاعُ إِلَّا مَا شَدَّ الْعَظْمَ وَ أَنْبَتَ اللَّحْمَ فَأَمَّا الرَّضْعَةُ وَ الثِّنْتَانِ وَ الثَّلَاثُ حَتَّى بَلَغَ الْعَشْرَ إِذَا كُنَّ مُتَفَرِّقَاتٍ فَلَا بَأْسَ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ب، ج۷، ص۳۱۴، ح۱۱).

نقد روایات معیار ده رضعه

یک ـ حمل بر تقیه

روایاتی که برای دَه رضعه خصوصیت قائل شده، از باب تقیه است. شیخ طوسی (۱۴۰۷الف، ج۵، ص۹۶) اقوال اهل تسنن را عدد پنج، سه و حتی یک قطره برمی‌شمرَد.[1] البته تقیه رایج این است که حضرت، مطلق رضعه را محرِّم بداند کما اینکه در روایت دیگری همین حکم را فرموده است، اما چون فضای اهل‌سنت در رضاع، ملتهب و متشتّت، و نظر عایشه هم دَه رضعه بوده است (ر.ک: حلی، ۱۴۱۴، ص۶۲۰)،[2] حضرت نیازی به تقیه نسبت به عدد یک و سه ندیدند و با نفی کمتر از ده رضعه، اشاره (و نه تصریح) کردند به وحدت نظر خود با یکی از نظرات اهل‌تسنن. درعین‌حال، نظر شیعه

۱. اگر اشکال شود چگونه باتوجه‌به اینکه امام علیه‌السلام نفی عدد یک و سه می‌کند که ضد تقیه است شما آن را حمل بر تقیه می‌کنید؟ گوییم حضرت علیه‌السلام نسبت به عدد یک و سه تقیه نکردند، اما نسبت به عدد ده تقیه کردند تا در فضای اختلاف بین خود اهل‌سنت، نظر شیعه را مطابق یکی از نظرات آنان (ده بار) قرار دهند. شاهد، روایت عبیدبن‌زراره است و اینکه فضای اهل‌سنت در رضاع، متشتت بوده است.

۲. علّامه فرموده است: «روی عن حفصه و عائشة انهما قالتا لا تحرم دون عشر رضعات». البته خود علامه در ادامه، روایت عایشه را به دلیل تهافت در آن، قابل احتجاج نمی‌داند؛ زیرا هم ده رضعه را معتبر دانسته است و هم پنج رضعه را.

را هم معیّن نساختند تا شیعه در فشار قرار نگیرد. چه‌بسا اینکه در روایات، عدد رضاع را زیاد پرسیده‌اند می‌تواند تحت الشعاع بودن نظر غالب باشد که از اهل‌تسنن و عدد یسیر است.

ازطرفی صحیحهٔ عبیدبن‌زراره: «مُحَمَّدُ‌بن‌يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ‌بن‌مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ‌بن‌الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ‌بن‌وَهْبٍ عَنْ عُبَيْدِبن‌زُرَارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ كَبِيرٍ فَرُبَّمَا كَانَ الْفَرَحُ وَ الْحَزَنُ الَّذِي يَجْتَمِعُ فِيهِ الرِّجَالُ وَ النِّسَاءُ فَرُبَّمَا اسْتَحْيَتِ الْمَرْأَةُ أَنْ تَكْشِفَ رَأْسَهَا عِنْدَ الرَّجُلِ الَّذِي بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ الرَّضَاعُ وَ رُبَّمَا اسْتَخَفَّ الرَّجُلُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى ذَلِكَ فَمَا الَّذِي يُحَرِّمُ مِنَ الرَّضَاعِ فَقَالَ مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ الدَّمَ فَقُلْتُ وَ مَا الَّذِي يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ الدَّمَ فَقَالَ كَانَ يُقَالُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ قُلْتُ فَهَلْ يُحَرِّمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ فَقَالَ دَعْ ذَا وَ قَالَ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ فَهُوَ مَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۴۳۹، ح۹). این صحیحه، در تقیه‌ای بودن عدد ده رضعه[1] جایی برای شک باقی نمی‌گذارد؛ چراکه حضرت در آن، ابتدا با عبارت «کان یقال عشر رضعات» و سپس با عبارت «دع ذا» در جواب سؤال از عدد دَه، فضای تقیه را ثابت و راوی را منصرف می‌سازد؛ همان طور که عده‌ای از فقها، به تقیه‌ای بودن عدد ده اذعان کرده‌اند.

دو ـ نفی معلّل ده رضعه

صحیحهٔ معلّل علی‌بن‌رئاب به‌صراحت محرمیّت عدد عشر را نفی کرده است: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ‌بن‌مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ‌بن‌رِئَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام قَالَ: قُلْتُ مَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ قَالَ: مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ شَدَّ الْعَظْمَ. قُلْتُ فَيُحَرِّمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ؟ قَالَ لَا؛ لِأَنَّهُ لَا تُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ لَا تَشُدُّ الْعَظْمَ عَشْرُ رَضَعَاتٍ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۰، ص۳۷۴، ح۲). در این روایت، حضرت علت

۱. خود اضطراب و اختلاف شدید اهل عامه در مسئله‌ای مثل ملاک رضاع، مجوز تقیه به عددی است که شاید قائل هم بین آنها نداشته باشد و صاحب وسائل (۱۴۰۹، ج۲۰، ص۳۷۹) همین نکته را در بیان تقیه مطرح نموده است. علاوه بر اینکه با بررسی اقوال عامه، شاید قولی بر ده رضعه جز عایشه پیدا نکنیم. اما حضرت تصریح بر «کان یقال عشر رضعات» دارند که از این مورد و موارد مشابه برداشت می‌کنیم که نباید همیشه ملاک تقیه را فقط مخالفت با اقوال رایج یا مذکور اهل‌تسنن بدانیم و درواقع مثلاً اینجا خود روایت عبیدبن‌زراره سندی بر وجود قول به ده رضعه در بین عامه است و لو در کتب رایج اهل‌تسنن ذکر نشده باشد.

محرّم نبودن ده وعده را این مطلب دانسته است که ده وعده شیر خوردن، گوشت نمی‌رویاند و استخوان را محکم نمی‌سازد.

ممکن است گفته شود تعلیل، فقط اطلاق عشر رضعات را نفی کرده است. بنابراین با ده رضعه متوالی منافات ندارد؛ درحالی‌که قید توالی در تمامی معیارها وجود دارد و فقط برای عشر رضعات ذکر نشده است و آن‌قدر دخیل در رضاع شرعی است کأنّ قید توضیحی است. در چنین حالی، تعلیل نیز نافی ده رضعه متوالی و ناظر به آن خواهد بود.

همچنین در جای خود بحث شده که العلة تعمّم و لاتخصّص؛ بنابراین در این روایت، انبات، علت تامه حرمت رضاعی قرار گرفته است، نه علّت منحصره. یعنی منافات ندارد با اینکه مثلا عدد پانزده، ناشر حرمت باشد. ازطرفی نفی عشر، به طریق أولی، نفی کمتر از عشر را نیز شامل است. به‌عبارت‌دیگر، موضوع تعلیلِ «لِأَنَّهُ لَا تُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ لَا تَشُدُّ الْعَظْمَ عَشْرُ رَضَعَاتٍ»، ده رضعه و کمتر از آن بوده و استصحاب هم موافق عدم محرمیت است.

سه ـ نفی مطلق ده رضعه

صحیحهٔ دوم عبیدبن‌زراره، محرّمیّت ده رضعه را کاملاً نفی کرده است: «عَلِيُّ بن الْحَسَنِ بن فَضَّالٍ عَنْ يَعْقُوبَ بن يَزِيدَ عَنِ ابن أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عُبَيْدِبن زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ لَا يُحَرِّمْنَ شَيْئاً» (طوسی، ۱۴۰۷ب، ج۷، ص۳۱۳، باب ۲۷، ح۷). همچنین موثّقهٔ ابن‌بکیر: «عَنْهُ عَنْ أَخَوَيْهِ عَنْ أَبِيهِمْ عَنْ عَبْدِاللَّهِ بن بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ لَا تُحَرِّمُ» (همان، ص۳۱۳ ـ ۳۱۴، ح۸) و ظاهر اطلاق نفی، شامل ده رضعهٔ متوالی با تروّی نیز می‌شود.

دلیلی دیگر بر اعتبار ده رضعه و نقد آن

علامه حلی یکی از وجوه تقدم ده رضعه را احتیاط دانسته است (۱۴۱۳، ج۷، ص۱ ـ ۳۲) و چه‌بسا مراد ایشان از احتیاط، عدم ازدواج دختری با پسر مرضعه باشد که

ده بار شیر خورده است؛ درحالی‌که احتیاط در رضاع، همچون تیغ دو لبه است. همان طور که مرحوم بحرانی بر کلام علامه، ایراد نقضی وارد ساخته که گاهی احتیاط در عدم نشر حرمت است؛ مانند جایی که نوزاد دختری را که دَه رضعه خورده است عقد کند. در این صورت، ثبوت مَهر و سایر احکام زوجیت، خلاف احتیاط است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج۲۳، ص۳۴۶). همچنین گرچه مراد علامه، احتیاط در فروج است، اما احتیاط منحصر به فروج نیست و پیشگیری از مفاسد بزرگ، از موارد قطعی احتیاط نزد عرف است.

علّامه در تبیین احتیاط، به روایت «**ما اجتمع الحلال و الحرام إلّا غَلب الحرامُ الحلالَ**»[1] تمسک کرده است و می‌فرماید: بین دو خبری که یکی دالّ بر حرمت است و دیگری حلیّت، جانب حرمت را اخذ می‌کنیم. درحالی‌که این روایت، وجوه مختلفی دارد که ازجمله آن، مصادیق و فعل حرام و حلال است. یعنی اگر شخصی هم کار حلال انجام می‌دهد هم حرام، مثلاً هم کسب روزی از راه حلال دارد هم حرام، به‌مرور در مورد او ایمان، ضعیف و حرام غالب خواهد شد. پس دالّ بر خبر دارای مضمون حرمت نیست.

جمع‌بندی روایات ده رضعه

نتیجه آن است که در عدد عشر، چهار دسته روایت وجود دارد: مثبتهٔ مطلقه (موثقهٔ عبید)؛ نافیهٔ مطلقه (صحیحهٔ علی‌بن‌رئاب، صحیحهٔ دوم عبیدبن‌زراره و موثقهٔ عبدالله‌بن‌بکیر)؛ نافیهٔ مقیده به تفرّق رضعات (صحیحه عمربن‌یزید، موثقهٔ مسعدة‌بن‌صدقة و صحیحهٔ مسعدة‌بن‌زیاد)؛ مثبتهٔ مقیده به یروی و ینام (صحیحهٔ فضیل‌بن‌یسار) که باتوجه‌به مفهوم حصر، می‌شود نافیهٔ مقیده به عدم تروّی و نوم.

در صحیحهٔ علی‌بن‌رئاب نیز نفی عدد عشر به قول مطلق، مستند به عدم انبات است و امام علیه‌السلام فرموده: «ده رضعه، موجب انبات نیست»؛ و این اطلاق، شامل ده رضعهٔ متوالی با تروّی می‌شود. همچنین صحیحهٔ علی‌بن‌رئاب پس از آنکه معیار بودن ده

۱. این روایت در کتب معتبر شیعه نیست (ر.ک: بیهقی، ۱۴۲۴، ج۷، ص۲۷۵، و ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج۳، ص۴۶۶، ح۱۷)